

# تأثیر شناسایی نسل‌کشی ارامنه بر روندهای سیاست خارجی ترکیه

نوع مقاله: پژوهشی

DOR: 20.1001.1.15601986.1400.28.2.4.5

رضا رحمتی\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۵

## چکیده

نسل‌کشی ارامنه یکی از چندین وضعیت مناقشه‌برانگیز بین ترکیه و اروپا/ ایالات متحده آمریکا بوده است. ترکیه همواره زمانی که دولت‌های اروپایی و ایالات متحده آمریکا در این خصوص اظهارنظر کرده‌اند، از عناصر بازدارندگی خود استفاده کرده است. با این حال تنها در دولت جو بایدن «نسل‌کشی» به‌عنوان رفتار امپراطوری عثمانی به رسمیت شناخته شده است. در منازعه ادراکی/ شناختی بین ترکیه و اروپا، جایگاه این شناسایی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است به نحوی که به تعبیر مقامات ترکیه این اقدام به مثابه تجاوز به «خطوط قرمز» این کشور است. این پژوهش با استفاده از رهیافت گلچین‌گرایانه از دو حوزه نظری واقع‌گرایی تهاجمی و روندپژوهی به بررسی تأثیر شناسایی نسل‌کشی ارامنه بر رفتار تهاجمی سیاست خارجی ترکیه نسبت به آمریکا می‌پردازد و این روند را بر اساس استقرار پایگاه‌های نظامی جدید، دوری از روندهای همگرایی اروپایی، ایجاد اتحادهای هویتی/ شوونیستی، جابه‌جایی در الگوهای منطقه‌گرایی (تمرکز بر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا) مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌دهد. به این منظور این پژوهش به‌لحاظ هدف، بنیادی، به لحاظ ماهیت داده‌ها، توصیفی - تحلیلی و به لحاظ نحوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای خواهد بود.

یافته‌های این پژوهش گویای آن است که سیاست خارجی ترکیه متأثر از محرک‌ها، پیش‌ران‌ها، روندها، پیامدها و رفتارهای درونی و بیرونی است که تأثیر بسیار زیادی بر روی ادراک نخبگان نسبت به محیط بین‌المللی داشته و دارد. برخی رویدادها نقش بسیار مهمی در این ادراک داشته و نقش کاتالیزور و شتاب‌دهنده را دارند و می‌توانند پیش‌ران‌ها را شتاب داده و محرک‌ها را تحریک کنند.

واژگان کلیدی: ترکیه، واقع‌گرایی تهاجمی، روندپژوهی، نسل‌کشی ارامنه، منازعه ادراکی.

## مقدمه

به منظور درک سیاست خارجی ترکیه در حوزه بین‌المللی، ضروری است تا به الگوهای ادراکی / شناختی نخبگان سیاسی این کشور توجه شود. این الگوها هم برآیندی از تجربه مواجهه این کشور در محیط بین‌المللی و منطقه‌ای و هم محصول نیازهای ادراکی و استراتژیک برای داشتن فضاهای حیاتی / عمق استراتژیک بوده است. علی‌رغم تقلای بسیار در یک دوره طولانی برای اروپایی شدن، ترکیه در تجربه مناسبات خود با اتحادیه اروپا، ناکام بوده است. این ناکامی با یک منازعه شناختی / ادراکی به نام «امنیتی‌سازی ترکیه» توسط اروپایی‌ها، نیز همراه بوده است. از دیگر سو این الگوهای ادراکی / شناختی، محصول نیازهای ادراکی استراتژیک نخبگان ترکیه نیز بوده است. از زمان مصطفی کمال پاشا تا دوره اردوغان همواره ترکیه به دنبال داشتن یک فضای حیاتی / عمق استراتژیک بوده است؛ یک روز در سوریه، دیگر روز در مدیترانه، یک روز در عراق، سپس در لیبی، بعد از آن در قطر و... . اگرچه در اصل وجود این نیاز استراتژیک مناقشه‌ای وجود ندارد، اما به نظر می‌رسد تشدید این نیاز ادراکی همواره متأثر از یک تحریک‌کننده خارجی بوده است. به عبارتی هرگاه محیط بین‌المللی، ترکیه را در شرایط «تنگنای هویتی / امنیتی» قرار داده است، ترکیه رفتار سیاست خارجی خود را بیشتر متأثر از نیازهای ادراکی استراتژیک قرار داده است و این تصویر بازنمایی شده که رفتار سیاست خارجی ترکیه تهاجمی‌تر شده است. بنابراین نیازهای شناختی برای ادراک فضای حیاتی / عمق استراتژیک همواره وجود داشته است، اما تهاجمی شدن آن و تبدیل شدن آن به یک منازعه استراتژیک، تنها زمانی تقویت شده است که محیط بیرونی بین‌المللی به عنوان یک تحریک‌کننده فعال عمل کرده است.

یکی از عناصر تحریک‌کننده سیاست خارجی ترکیه «به رسمیت شناختن نسل‌کشی ارمنه به وسیله امپراطوری عثمانی» توسط غرب بوده است. نسل‌کشی که ادعا می‌شود در ۲۴ آوریل سال ۱۹۱۵ بیش از یک میلیون ارمنی در آن کشته شدند. جو بایدن رئیس‌جمهور ایالات متحده در ۱۰۶مین سالگرد این واقعه، با اشاره به اینکه «یک و نیم میلیون ارمنی در یک نبرد نابودی، تبعید، قتل‌عام یا به سوی مرگ حرکت کردند... ما زندگی همه کسانی را که در نسل‌کشی ارمنه در دوران عثمانی کشته شدند به یاد می‌آوریم و برای جلوگیری از تکرار چنین قساوتی مجدداً خود را متعهد می‌دانیم»، این واقعه را یک نسل‌کشی نامید (Biden, 2021) این عنصر تحریک‌کننده تا

حدی از اهمیت برخوردار است که می‌تواند تهدیدهای پیش‌روی آینده نظام منطقه‌ای و بین‌المللی در وضعیت بعد از «شناسایی نسل‌کشی ارامنه» را برای ترکیه به صورت یک الگوی رفتاری ترسیم کند. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که شناسایی نسل‌کشی ارامنه توسط امپراطوری عثمانی چه تأثیری بر سیاست خارجی ترکیه خواهد داشت؟ در پاسخ به این سوال با استفاده از رهیافت گلچین‌گرایانه از دو حوزه نظری واقع‌گرایی تهاجمی و روندپژوهی استفاده خواهد شد و به تهاجمی‌تر شدن رفتار سیاست خارجی دولت ترکیه نسبت به اروپا/ ایالات متحده آمریکا، استقرار پایگاه‌های نظامی جدید، دوری از روندهای همگرایی اروپایی، ایجاد اتحادهای هویتی/ شوونیستی، جابه‌جایی در الگوهای منطقه‌گرایی (تمرکز بر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به جای اروپا) به‌عنوان روندهای تهاجمی پیش‌روی ترکیه یاد می‌شود. این پژوهش به‌لحاظ هدف بنیادی، به لحاظ ماهیت داده‌ها، توصیفی-تحلیلی و به لحاظ نحوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای خواهد بود.

## چارچوب نظری؛ یک رهیافت (گلچین‌گرایی) با دو نظریه (واقع‌گرایی تهاجمی و روندپژوهی)

این پژوهش به لحاظ رهیافت گلچین‌گرایانه خواهد بود و به لحاظ نظری، از دو نظریه واقع‌گرایی تهاجمی و آینده پژوهی بهره خواهد جست. در همین زمینه تلاش می‌شود بنیان‌های نظری این پژوهش هم بر اساس رهیافت و هم بر اساس چارچوب نظری مورد بررسی قرار گیرد تا از نظریات به صورت صرفه‌جویانه بر اساس قرائتی که کنت والتز از نظریه ارائه می‌دهد (Waltz, 1979) استفاده شود و رفتار سیاست خارجی ترکیه بعد از به شناسایی نسل‌کشی ارامنه به وسیله ایالات متحده آمریکا بررسی شود.

### ۱. رهیافت گلچین‌گرایانه

رهیافت گلچین‌گرایانه<sup>۱</sup> به دنبال استفاده از رویکردهای مختلف در رسیدن به نتایج دقیق‌تر است. رویکرد گلچین‌گرایی به دنبال این است که زوایای مختلف یک پدیده را با ابعاد مختلف نظری بررسی کند و از متغیرهای گوناگون یک نظریه استفاده کند تا دچار تنگ‌نظری‌های

تئوریک نشود. روی دیگر رویکرد گلچین‌گرایانه به این بر می‌گردد که نظریه‌ها به صورت انفرادی توان تحلیل پدیده‌های چندساحتی را ندارند. گلچین‌گرایی این قابلیت را به دست می‌دهد که از هر نظریه‌ای، متغیرهای مورد استفاده درهم درآمیزند تا رهیافتی چندوجهی به وجود آید. این نظریه‌ها، ممکن است انسجام، مطلوبیت و کارآمدی نظریات غالب را نداشته باشند، اما قدرت تبیین‌کننده بیشتری به دست می‌دهند (Checkel, 2013: 224, And Katzenstein And Sil, 2010).

## ۲. گلچین‌گرایی بینانظری

نخستین بخش نظری از رهیافت گلچین‌گرایانه این پژوهش چارچوب نظری واقع‌گرایی تهاجمی است. چارچوب نظری واقع‌گرایی تهاجمی با توجه به ماهیت آنارشیک نظام بین‌الملل، معمای امنیت، درک چرایی و چگونگی افزایش قدرت نظامی دولت‌ها و نخبگان، تهاجمی شدن رفتار سیاست خارجی دولت‌ها، تأکید بر بعد سخت امنیت و ... می‌تواند چارچوب نظری صرفه‌جویانه‌ای برای تشریح رفتار سیاست خارجی دولت ترکیه بعد از به رسمیت شناختن نسل‌کشی ارمنی قلمداد شود. در عین حال، چارچوب نظری روندپژوهی (که از شاخه‌های اصلی آینده پژوهی محسوب می‌شود) با توجه به ماهیت تحلیل رویدادهای آینده بر اساس روندهای گذشته و حال، می‌تواند کمک بسیاری به درک رفتار احتمالی دولت ترکیه کند؛ در شرایطی که شناسایی نسل‌کشی ارمنی و مناسبات این دولت بر اساس آن تحلیل، قابل‌روندنگاری است.

### ۱-۲- نظریه واقع‌گرایی تهاجمی

مهم‌ترین نظریه‌ای که رقابت بین دولت‌ها با محوریت قدرت را تشریح می‌کند، نظریه سیاست قدرت، یا رئالیسم است. رئالیسم شعبات بسیاری دارد، با این حال نظریه رئالیسم تهاجمی به دلیل اهمیتی که به ادراک نخبگان از یک سو و معمای امنیت در محیط آنارشیک بین‌المللی از دیگر سو می‌دهد، از اهمیتی بسیار برخوردار است.

ادبیات مربوط به امنیت و صلح در حوزه بین‌المللی نه موضوع عملی جدیدی است و نه مباحث فکری پیرامون آن، متاخر است. نگرش رئالیسم تهاجمی را بایستی با زمینه‌های نظری که در خصوص «جنگ؛ با علل سیاسی» وجود دارد، مقایسه کرد. دو وجه این تطبیق عبارتند از نخست؛ ناامنی ریشه در عوامل سیاسی دارد و دوم؛ قدرت هسته مرکزی سیاست بین‌الملل

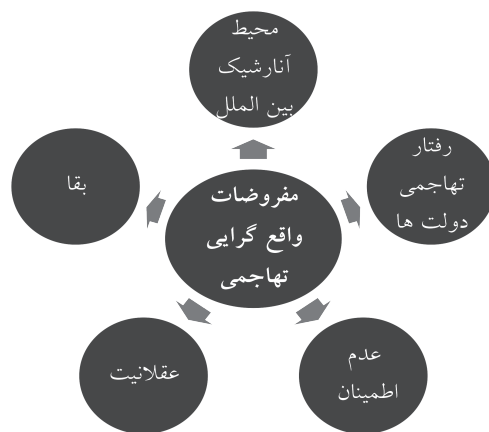
است. در خصوص موضوع نخست بایستی به تفوق علل سیاسی بر رفتار خارجی کشورها اشاره کرد. این ادبیات را بایستی به صورت تاریخی در آراء کلوزه ویتز جستجو کرد. «کلوزه ویتز که به منزله نظریه پرداز جنگ و امور نظامی شهرت یافته، جنگ را وسیله‌ای در اختیار سیاست و سیاستمداران می‌شمارد و تفوق سیاسی، یکی از اصول مهم مورد قبول اوست. او می‌نویسد: «... درواقع، جنگ‌ها تبلور و تجلی سیاست هستند. سیاست را نباید تابع جنگ کرد، این کار اشتباه است؛ چرا که عامل سیاسی، جنگ را برپا کرده. عامل سیاسی دارای توان ادراک است: جنگ فقط ابزار سیاست است و نه برعکس. جنگ در دامن سیاست یک دولت رشد می‌کند و اصول آن مانند خصوصیات نوزادی که در جنین مادر وجود دارد، در سیاست دولت نهفته است» (ادیبی‌سده، ۱۳۸۲: ۹۴-۹۵). در خصوص موضوع دوم شباهت نظری، بایستی اشاره کرد که وجه دیگر شباهت جنگ با علل سیاسی، در رئالیسم تهاجمی، مسئله قدرت است. «سیاست چه خصمانه و چه مسالمت‌آمیز در هر حال ناشی از قدرت است. اعمال این قدرت از راه زور و اجبار را جنگ و از راه ترغیب و پاداش را صلح می‌خوانند» (ادیبی‌سده، ۱۳۸۲: ۹۴-۹۵).

هانس یواخیم مورگنتائو بر آن است که هدف اصلی هر دولتی آن است که سهم خود را از قدرت جهانی به حداکثر برساند، که این به معنای کسب قدرت به زیان دیگران است. به نظر مورگنتائو دلیل اصلی قدرت‌طلبی دولت‌ها را باید در سه چیز جستجو کرد: ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل، توانمندی‌های تهاجمی که همه دولت‌ها از آن برخوردارند و عدم اطمینان در مورد نیات و مقاصد دشمن (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۱۳۲). می‌توان فرید زکریا و جان مرشایمر را مهم‌ترین نظریه پردازان رئالیسم تهاجمی دانست (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۳۱).

از نظر جان مرشایمر در نظریه رئالیسم ساختاری تهاجمی، سیستم آنارشیک بنفسه، علت جنگ تلقی می‌شود، زیرا دولت‌ها را وادار می‌دارد تا در صورت امکان، تهاجمی عمل کنند، آن هم صرفاً برای دفاع از خود، جدای از اینکه آمال رهبران و مردم چه باشد و اهداف دیگرشان چیست. مرشایمر این وضع را «تراژدی قدرت‌های بزرگ» خوانده است. رئالیسم ساختاری تهاجمی مرشایمر با روایت تدافعی آن در «تمایل به وضع موجود» یکسان است. یعنی در این مفروضه که تلاش‌ها برای تسلط، احتمالاً ارزش محدودی دارد. دلیل آن هم تأثیر متوازن‌کننده دولت‌های

دیگر در سیستم علیه آرزومندان هژمونی است. اقدام تهاجمی و تلاش برای تسلط، به زعم وی، به دلیل امنیت‌جویی بر قدرت‌ها تحمیل می‌شود و از این رو هم اجتناب‌ناپذیر است و هم عمدتاً عبث. این هم وجه دیگری از «تراژدی قدرت‌های بزرگ» است. در عالم واقع و در قیاس با مفروضات رئالیستی ساختاری، بسیاری از دولت‌های تهاجمی در طول تاریخ بهره‌های عظیم به چنگ آورده‌اند، خواه در سیستم هژمون شده باشند و خواه نشده باشند (کما اینکه معدودی هم شدند). تراژدی، عمدتاً سهم مغلوبین بوده است. مورگنتائو به اندازه‌ای بر قدرت‌طلبی و سلطه‌جویی تمرکز داشت که از سایر انگیزه‌های کنش انسانی و منازعه غفلت کرد. رئالیست‌های ساختاری بر ضرورت امنیت تا بدان‌جا متمرکز شدند که عملاً این انگیزه‌ها را از انظار دور ساختند (گات، ۱۳۹۹: ۱۲۰-۱۲۱).

در ادبیات واقع‌گرایی تهاجمی دولت‌ها در محیط آنارشیک به دنبال به حداکثر رساندن قدرت خود هستند و همین موضوع سبب می‌شود، اصطکاک در محیط بین‌المللی به وجود آید، چراکه افزایش قدرت یکی، به معنای تهدید علیه قدرت دیگری است. اما، در خصوص دلایل قدرت‌جویی دولت‌ها بایستی به سه موضوع مهم در نظام فکری مرشایمر اشاره کرد که عبارتند از: ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل، توانمندی تهاجمی دولت‌ها در کل و عدم قطعیت نسبت به نیت و مقاصد دشمن (Mearsheimer And Walt, 2003: 56). جان مرشایمر در کتاب تراژدی قدرت‌های بزرگ به پنج مفروض اساسی اشاره می‌کند که انگیزه اصلی افزایش قدرت توسط دولت‌ها را در نظام آنارشیک بین‌المللی بیان می‌کند. نخست: نظام بین‌الملل، آنارشیک است، دوم: قدرت‌های بزرگ ذاتاً از توانایی قدرت تهاجمی برخوردار هستند؛ که همین فرض به قدرت‌های بزرگ این امکان را می‌دهد تا دیگران را نابود کنند. سوم: قدرت‌های بزرگ هرگز نسبت به نیت کشورهای دیگر نمی‌توانند اطمینان حاصل کنند. چهارم: هدف دولت‌ها، حفظ بقای خود است، اگرچه سایر اهداف هم اهمیت دارند، اما نسبت به حفظ بقا، در اولویت بعدی هستند. پنجم: قدرت‌های بزرگ بازیگران عقلانی هستند. آنها از محیط خارجی خود آگاهی دارند و به طور استراتژیک در مورد چگونگی بقا در آن فکر می‌کنند (Mearsheimer, 2001: 30-31). به طور کلی واقع‌گرایی تهاجمی بر آن است که قدرت‌ها با تکیه بر این اصول، به دنبال بیشینه‌سازی قدرت خود در محیط بین‌المللی هستند.



شکل شماره (۱) مفروضات اساسی واقع گرایی تهاجمی

دیگر نظریه پرداز رئالیسم تهاجمی، فرید زکریا است. فرید زکریا بر آن است که تاریخ نشان می دهد دولت ها در شرایطی که به شکلی فزاینده ثروتمند می شوند، به ایجاد ارتش های بزرگ روی می آورند، خود را درگیر مسائل خارج از مرزهایشان می کنند و به دنبال افزایش نفوذ بین المللی خود می روند (Zakaria, 1998: 3) به نقل از مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۳۱). به عبارت دیگر توانمندی های نسبی تا حد زیادی به نیت دولت ها شکل می دهند. هنگامی که دولتی قدرتمند می شود، می کوشد نفوذ خود را افزایش دهد و به حداکثر برساند و محیط بین المللی خود را کنترل کند. بنابراین دولت ها در مواردی که تصمیم گیرندگان اصلی آنها تصور کنند توانمندی نسبی کشور بیشتر شده است، راهبردهای تهاجمی و با هدف بیشینه سازی نفوذ را دنبال خواهند کرد (Taliaferro, 1999: 1) به نقل از مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۳۱). از دید بسیاری از نوکلاسیک ها نظام تأثیر مستقیم رفتاری ندارد و در اینجا از یک سو، به عوامل ادراکی و از سوی دیگر، به ساختار دولتی توجه می شود. توجه زکریا به عوامل ذهنی در مفهوم «شوک ادراکی» دیده می شود که بر اساس آن رویدادهای خاصی می توانند باعث شوند سیاستمداران ناگهان متوجه تأثیرات بلندمدت روندهای مربوط به قدرت شوند (Zakaria, 1998: 11) به نقل از مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۳۱). قدرت دولت ها لزوما همیشه در تمامیت خود در دسترس نیست و این ساختارهای دولتی هستند که ابزار لازم برای اعمال قدرت را در اختیار سیاستمداران می گذارند (یا نمی گذارند). در کل به نظر زکریا هر قدر قدرت دولت و قدرت ملی افزایش پیدا کند، به سیاست های خارجی توسعه طلبانه تری منجر می شود (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۳۱).



شکل شماره (۲) روند گذار به سیاست خارجی تهاجمی (واقع گرایی تهاجمی)

## ۲-۲- روند پژوهی

آینده پژوهی، مطالعه نظام مند از آینده های احتمالی، ممکن و ترجیحی از جمله جهان بینی ها و اسطوره هایی است که اساس هر آینده هستند. در پنجاه سال گذشته، مطالعه آینده از پیش بینی آینده به ترسیم نقشه آینده های جایگزین و به شکل دهی به آینده های مطلوب، هم در سطوح جمعی خارجی و هم در سطح فردی تغییر یافته است (Masini 1993; Bell 1996; Amara 1981; Sardar 1999; Inayatullah 2000; Saul 2001, And Inayatullah, 2013: 37).

اینک در چارچوب ادبیات استراتژیک، برای پیش بینی آینده، استفاده از تحلیل روند، گریزناپذیر است. هر یک از پدیده های سیاسی، اجتماعی، استراتژیک و بین المللی، از روندهایی که ریشه در تاریخ دارند، نشأت گرفته اند. مستقل از اینکه روش پژوهش، آینده پژوهی باشد یا خیر، پژوهشگران از این روش به عنوان یک روش متداول بهره می گیرند.

اگر بخواهیم روش های سناریونویسی را دسته بندی کنیم، گروهی از روش ها هستند که تنها یک سناریو از آینده به ما می دهند. ما این روش ها را روش های پایه می نامیم چراکه این روش ها شالوده مابقی روش های سناریونویسی هستند. روش تحلیل روند<sup>۱</sup> جزو این گروه از روش ها است. تحلیل تاثیر روند در واقع یک روش پیش بینی است که به بررسی دلیل، ماهیت، تاثیرات بالقوه، احتمال وقوع و سرعت بروز تغییر در یک زمینه در حال تغییر می پردازد... رویدادهایی که در روش تحلیل روند بررسی می شوند می توانند از جنس تغییرات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فن آوری و ارزش محور باشد (OECD, 2014 به نقل از عباسی و دیگران، ۱۳۹۳: ۳). این روش، رویکردی با ساختاری به منظور تجزیه و تحلیل روندهای اجتماعی است و برای توضیح یک روند به واسطه عامل های تاثیر مناسب است، این روش همچنین امکان مواجهه با عدم قطعیت ها توسط خبرگان را پدید می آورد و در نهایت مجموعه ای از راهبردها را به منظور ارائه به سیاست گذاران ارائه می کند



(Mcnamara, 1976: Hennen & Benninga, 2009) و عباسی و دیگران: ۱۳۹۳: ۳). تعریف «روند» در آینده پژوهی عبارت است از «الگویی ذهنی از روابط بین رویدادها که جهت‌گیری آینده را نشان می‌دهد.» حتی اگر رویدادها عینی یا برخاسته از پدیده‌های عینی باشند، روندها ذهنی‌اند. روندپژوهی، داده‌های خام و پردازش‌شده را دریافت می‌کند و با استنباط روابط بین آن‌ها، به حجم انبوه داده‌ها، نظم، معنا و جهت می‌دهد. روندها، استنباط پژوهشگر از رابطه بین رویدادها و منطق تغییرات به شمار می‌آیند، پس قابل عینی‌سازی و کشف نیستند و مشروط به تداوم روند، به شکل رویدادهای آتی برون‌یابی می‌شود (زالی، ۱۳۹۵: ۲۲).

روندها و رویدادها، شناخته‌شده‌ترین واژه‌های آینده پژوهی هستند که بر دو ویژگی آینده متمرکزند. روندها اشاره به پیوستگی تاریخی و زمانی دارند و رویدادها بر گسستگی تاریخی تاکید می‌ورزند. تغییرات منظم در داده‌ها یا پدیده‌ها در خلال زمان است که از گذشته آغاز می‌شوند و تا آینده ادامه می‌یابند، اما رویدادها بر خلاف روندها، حاصل اتفاق یا حادثه‌اند که به شدت بر روندها و به‌طور کل، بر آینده، تأثیر می‌گذارند. شناسایی روندها از گام‌های بی‌بدیل مطالعات آینده‌پژوهانه و به ویژه پروژه‌های آینده‌نگاری است. روندها، وقتی در کنار هم قرار بگیرند، می‌توانند تصویر نسبتاً کاملی از آینده محتمل حوزه یا سازمان مورد نظر به دست بدهند (آلستین، ۱۳۹۱: ۱۶۴ به نقل از تولایی، ۱۳۹۳: ۱۰۸).

روندپژوهی با یک عنصر دیگر نیز در ارتباط است؛ پیش‌ران‌ها. در متون آینده پژوهی، پیش‌ران‌ها به نیروهای اصلی شکل‌دهنده آینده جهان اشاره دارند. بدیهی است که پیش‌ران‌ها به‌صورت غیرمستقیم بر حوزه‌های مختلف تأثیر گذارند. بر این اساس، روش‌های عمده شناسایی روندها شامل «شناسایی رویدادها»، «شناسایی پیش‌ران‌ها» و «تجزیه و تحلیل پیش‌ران‌ها» در نظر گرفته شده است؛ به‌طور کلی موضوع بسیار مهم در تحلیل روند، این است که آینده، تداوم روندهای تاریخی و کنونی است. همچنین برای شناسایی پیش‌ران‌های شکل‌دهنده روندهای آتی، از این روش بهره‌گیری می‌شود (خانی، ۱۳۹۷: ۹۳۱). با توجه به بعد اکتشافی این نوشتار، تجزیه و تحلیل تأثیر پیش‌ران‌ها بر سیاست خارجی ترکیه مورد تمرکز است.

پیش‌ران‌ها (Drivers) نیروهای شکل‌دهنده آینده هستند که به صورت جهانی یا محلی بر انواع

مختلف آن تأثیر می‌گذارند. پیش‌ران‌ها به صورت غیرمستقیم بر آینده‌ی حوزه‌های اجتماعی،

فناورانه، اقتصادی، زیست‌محیطی و سیاسی تأثیر می‌گذارند (هاشمیان‌اصفهانی، ۱۳۸۹: ۳۳). پیش‌ران‌ها را می‌توان از درهم‌کنش چهار مولفه ذیل شناسایی کرد: الف) روندها، ب) رویدادها، ج) تصاویر، د) اقدام‌ها.<sup>۴</sup> این نوشتار از چهار مؤلفه فوق برای تحلیل سیاست خارجی ترکیه بهره خواهد برد.

### ۳. نسل‌کشی ارامنه؛ پیش‌ران‌ها، محرک‌ها و روندهای سیاست خارجی ترکیه

برای درک اثر «به رسمیت شناختن نسل‌کشی ارامنه» بر روی سیاست خارجی ترکیه بایستی ابتدا نگاهی به پیش‌ران‌ها و محرک‌های سیاست خارجی این کشور داشته باشیم. رفتار سیاست خارجی دولت ترکیه در محیط امنیتی بین‌المللی و منطقه‌ای پیش‌رو، ضروری است تا به مهم‌ترین پیش‌ران‌های موثر بر سیاست داخلی و سیاست خارجی این کشور تمرکز داشته باشیم. در همین خصوص می‌توان به مناسبات بین‌المللی، تحولات فرامنطقه‌ای (در اروپا و ادراک دولت‌های اروپایی نسبت به ترکیه)، تحولات منطقه‌ای (در خاورمیانه)، تحولات در زیرسیستم‌های منطقه‌ای (از جمله قفقاز، اوراسیا، شامات و...) و عوامل دیگری که در طراحی آینده سیاست خارجی ترکیه اثرگذار هستند، اشاره کرد. به دلیل اهمیت سطوح مختلف تحلیل در پیش‌ران‌های فوق، می‌توان تهدیدهای پیش‌روی آینده نظام منطقه‌ای و بین‌المللی در وضعیت بعد از شناسایی نسل‌کشی ارامنه را در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تقسیم‌بندی کرد و بر این اساس مدل تحلیلی را ارائه داد.

سیاست‌های نیل به شرق ایالات متحده آمریکا در دوران باراک اوباما و متعاقباً سیاست اول آمریکا و مهار چین این کشور در دوره دونالد ترامپ و سیاست خروج از منطقه خاورمیانه در دوره جو بایدن سبب به وجود آمدن خلاء امنیتی<sup>۵</sup> در منطقه خاورمیانه شده است. این خلاء امنیتی با تشدید وضعیت نظامی در خاورمیانه دشواره‌ای به نام «آناشرشی میلیتاریسم»<sup>۶</sup> را در این

1- Trends

2- Events

3- Images

4- Actions

5- Security Vacuum

6- Anarchy-Militarism

منطقه به وجود آورده است. وضعیت منطقه خاورمیانه در عین آنارشیک بودن، نظامی‌گری را نیز تشدید کرده است. ترکیه به عنوان یکی از کشورهای تأثیرگذار در منطقه خاورمیانه، در چنین فضایی با پیشران‌ها و محرک‌هایی تعیین‌کننده همراه بوده است، که این پیشران‌ها و محرک‌ها «انتخاب»‌های این کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بدون در نظر گرفتن محرک‌های سیاست خارجی ترکیه، نمی‌توانیم راهبرد منطقه‌ای این کشور را بررسی کنیم. برای تحلیل ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه، بایستی علاوه بر پیشران‌ها به تحریک‌کننده‌ها توجه داشته باشیم. محرک‌ها، دلالت بر جایگاه سیاسی ترکیه، نوع نظام سیاسی این کشور و قدرت نرم ترکیه در گستره بین‌المللی دارد و رفتار سیاست خارجی ترکیه را به سمت‌وسویی خاص «تحریک» می‌کند. همچنین محرک‌ها، دلالت بر رویکرد نظامی، تعداد نیروهای نظامی، جنگ‌افزارها، و به‌طور کلی سیاست‌های سخت تحریک‌کننده ترکیه دارد و بر این اساس، می‌توانند جایگاه مهمی در تعیین رویکردهای سخت ترکیه در سیاست بین‌الملل داشته باشند.

### ۱-۳- جابه‌جایی در روندهای منطقه‌گرایی (تمرکز بر روندهای خاورمیانه به جای اروپا)

پیشران و محرک: ترکیه کشوری اروپایی آسیایی است؛ حتی به نحوی که تمایلات اروپایی بیشتری نسبت به تمایلات آسیایی دارد. برای نمونه به تازگی وزیر خارجه ترکیه مولود چاووش اوغلو در خصوص اروپایی بودن ترکیه این جمله را گفت «ترکیه از لحاظ تاریخی جزء لاینفک اتحادیه اروپا بوده و خواهد بود. ارتباطات و پیوندهای قدرتمند ترکیه، برای اتحادیه اروپا، ارزش افزوده استراتژیکی مهمی به همراه دارد که متأسفانه اروپا از دیدن آن غافل بوده و آن را نمی‌بینند. ترکیه همواره طرفدار کاهش تنش‌ها و انجام مذاکرات دیپلماتیک است» (چاووش اوغلو، ۱۴۰۰). چندین دهه تمنای ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا، در حالی با دست رد این اتحادیه مواجه شده که، به‌طور کلی اتحادیه اروپا موافق عضویت یک کشور خاورمیانه‌ای نیست. کشورهای تأثیرگذار این اتحادیه یعنی آلمان و فرانسه معتقدند ترکیه باید دست به تغییرات عمده در قوانین، ساختارها و... بزند تا منطبق با استانداردهای شورای اروپایی حقوق بشر و کمیسیون اروپا، شود؛ در حالی که ترکیه با بسیاری از این اصلاحات ساختاری موافقت کرده و تلاش کرده تا مکانیسم‌های مربوط به حقوق بشر، داور، حکمیت، تغییرات ساختاری و... انجام دهد، با این حال هنوز هم میل و رغبتی در اتحادیه اروپا نسبت به عضویت ترکیه به وجود نیامده است و اگر

هم گاهی موافقت می شود، ناظر به امتیازات موقتی به ترکیه (مثلا برای ساکت کردن در جریاناتی شبیه به پناهندگان) است. نتیجه اینکه، این موافقت‌ها به صورت گذرا و موقتی بوده و دوامی نداشته‌اند. برای ترکیه، اتحادیه اروپا یک مسئله هویتی-سیاسی است و برای اتحادیه اروپا، ترکیه یک کشور اسلامی خاورمیانه‌ای و احتمالا یک موضوع امنیتی است.

روند: عدم عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا با مخالفت‌های پی‌درپی و وعده‌های متعددی همراه بود و همین موضوع سبب سوق‌یابی دکترین سیاست خارجی این کشور به مسائل و مناطق دیگر شده است. بررسی دوره‌های زمانی مختلف در چند دهه گذشته نشان می‌دهد می‌توان رابطه‌ای مستقیم بین رابطه سرد اتحادیه اروپا با ترکیه از یک سو و حضور ترکیه در منطقه خاورمیانه از سوی دیگر مشاهده کرد. به عبارت واضح‌تر، هر قدر اتحادیه اروپا نسبت به ترکیه سردتر برخورد کرده است، نقش ترکیه در منطقه خاورمیانه گرم‌تر شده و حتی این کشور به دنبال رهبری در خاورمیانه حرکت کرده است؛ تا بتواند با این تغییر روند، خود را به عنوان یک قدرت تاثیرگذار منطقه خاورمیانه تبدیل کند. اگرچه ترکیه به خوبی می‌داند هیچ منطقه‌ای، به اندازه اروپا نخواهد توانست میل به تاثیرگذاری بین‌المللی ترکیه را ارضا کند؛ با این حال این بی‌میلی اتحادیه، ترکیه را به سمت خاورمیانه سوق داده و می‌دهد؛ حضور در شمال عراق، شمال شرق سوریه، لیبی، آذربایجان و... نشان‌دهنده تمنا برای جبران ناکامی‌ها برای جستجوی قدرت بوده است. به‌طور کلی در طول تاریخ چهار دهه گذشته هرگاه سیاست‌های اروپایی نسبت به ترکیه روند خصمانه‌ای را دنبال کرده است، آنکارا به سمت تغییر الگوهای منطقه‌گرایی و تمرکز بر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به جای منطقه اروپا حرکت کرده است.

## ۲-۳- پیوندهای امنیتی جدید و پناهگاه‌های استراتژیک نو

پیش‌ران و محرک: محیط بیرونی سبب ایجاد فشار و اضافه بار بر متغیرهای درونی در ترکیه شده است. از اظهار نظرات بایدن نسبت به اردوغان که وی را «ستمگر» نامیده بود، تا اعلام حمایت از اپوزوسیون ترکیه، تا محکوم کردن اقدام آنکارا در جهت خرید سامانه موشکی «اس ۴۰۰» روسی، محکوم کردن تلاش‌های ترکیه در شرق مدیترانه و نهایتا در اوج آن حمایت از طرح قانون پیشنهادی ارمنستان علیه ترکیه در خصوص نسل‌کشی و جنایت‌های ضدبشری

علیه ارامنه، همه و همه متغیرهایی بوده‌اند که تأثیر مهمی بر رفتار داخلی و خارجی ترکیه در قبال ایالات متحده آمریکا و اروپا داشته است. در متغیرهای خارجی، «تنگنای امنیتی» و درک دولتمردان ترکیه نسبت به وضعیت این کشور در چارچوب «بی‌پناهی استراتژیک» از اهمیت بسیاری برخوردار است.

روند: به دلیل افزایش خطرات امنیتی در مدیترانه شرقی، عراق، شمال آفریقا و سوریه و به دلیل رقابت استراتژیک با مصر، روسیه، عربستان سعودی، امارات عربی متحده و سایر قدرت‌های منطقه‌ای، ادراک آنکارا از شرق و جنوب تغییر جهت خواهد داد. آنکارا به ویژه از انفعال ناتو در جناح جنوبی خود در جریان بحران سوریه عصبانی است، موضوعی که با ایجاد خلاء امنیتی در آنجا به وجود آمده است. قدرت‌های غربی با تکیه بر واحدهای حفاظت از مردم -حقوق‌های دادن سوریه به پ.ک.ک- برای مقابله با داعش، نگرانی‌های عمده ترکیه را نادیده گرفت. همین موضوعات سبب به وجود آمدن ادراکی در نخبگان حزب عدالت و توسعه شده است که بلوک امنیتی غرب نتوانسته است به اندازه کافی از آنکارا در حین تلاش برای کودتای ژوئیه ۲۰۱۶ حمایت کند (Gurcan, 2020) و بر اساس پیش‌ران‌ها و محرک‌ها، ترکیه به دنبال پیوندهای امنیتی جدید و گشایش پناه‌گاه‌های استراتژیک نو در فضای جدید باشد. نزدیک شدن به روسیه و چین یکی از این پناه‌گاه‌های استراتژیک است.

### ۳-۳- افزایش تمناهای ژئوکالچر و اتحادهای هویتی / شوونیستی

پیش‌ران و محرک: ترکیه کشوری مرضی‌الطرفین بین اطراف خصم در منطقه خاورمیانه محسوب می‌شود، نقش مثبت ترکیه در منطقه خاورمیانه، آن جایی است که بتواند به عنوان حکم، رفتار کند. کشورهای دیگر نیز این کشور را به عنوان حکم در نظر می‌گیرند و این سیاست خارجی ترکیه را تحریک می‌کند تا نقش منطقه‌ای بازی کند. ژئوکالچر مرتبط با این موضوع است که چگونه یک دولت می‌تواند از بدنه فرهنگی خود -همچون روابط مذهبی، تاریخی، زبانی و قومی- با سایر کشورها در تعقیب منافع سیاسی-اقتصادی خود بهره ببرد (Sandıklı, 2011).

ترکیه به عنوان یک کشور مهم در محیط پسا جنگ سرد ظهور کرده است. به این دلیل که ترکیه نه تنها به لحاظ جغرافیایی بلکه به لحاظ فرهنگی نیز شرق را به غرب متصل می‌کند، ترکیه تنها نمونه کشور موفق دموکراتیک، سکولار و با جهت‌گیری غرب‌محوری با جمعیت مسلمانان

است. این کشور فهم میانه‌روانه‌ای از اسلام داشته -و احزاب مذهبی همچون AKP یا مدارس یا دستورات مذهبی که متمایل به ارائه دیدگاهی میانه‌روانه از اسلام داشتند؛ خصوصا زمانی که در مقایسه با رقبای خود در سایر کشورها قرار می‌گیرند- می‌تواند نقش یک الگوی مطلوب را در خاورمیانه و آسیای مرکزی بازی کند. ترکیه متحد ناتو و متعاقبا کم‌اعتبارکننده تصویر «باشگاه مسیحی»<sup>۱</sup> از این سازمان است (Yuvaci, 2012: 19). طی دو دهه گذشته و تحت حکمرانی حزب عدالت و توسعه (AKP) ترکیه تبدیل به یک بازیگر باثبات جهانی با یک دیپلماسی پویا، اقتصاد قوی و خلای امنیتی در یک همسایگی آشفته شده است که متقاضی کنشگری سیاست خارجی وسیع‌تری شده است (Weitz, 2014: 1). ترکیه به دنبال ارائه الگوی تاثیرگذار و دموکراتیک از اسلام، در گستره بین‌المللی است. برخلاف عربستان که به دنبال نوع خاصی از اسلام بر اساس گفتمان وهابیسیم است که ناتوان از به‌روز شدن بر اساس نیازهای متاخر بشر است، ترکیه به عنوان نظام دموکراتیک در جهان پذیرفته شده است، به همین دلیل تلاش می‌کند الگوی اسلامی خود را به عنوان یک الگوی دموکراتیک معرفی کند.

پس از پایان جنگ سرد، ویژگی‌های فرهنگی ترکیه که برای ممانعت از نفوذ فرهنگی کمونیسم در اروپا به خود گرفته بود، نقش بزرگی را در سیاست خارجی کشور بازی کردند. خصوصا با ظهور تروریسمی که با ریشه خود در تفسیرهای بنیادگرایانه از اسلام به عنوان تهدیدی عمده نسبت به غرب معرفی شده بود، مدل ترکیه به عنوان مدلی جایگزین برای توسعه سیاسی و فرهنگی در منطقه پدیدار شد (Yuvaci, 2012: 10). علاوه بر اتحادیه اروپا، که نقش مهمی در سیاست خارجی ترکیه دارد، و بدون آن نمی‌توان ژئوپلیتیک ترکیه را تعریف کنیم، علائق تاریخی ترکیه به منظور داشتن نقش اقتصادی، فرهنگی، سیاسی در خلیج فارس، آسیای جنوبی، شمال آفریقا و خاور نزدیک از جایگاه بسیاری برخوردار است. این فرصت‌ها به خصوص ناگهان بعد از فروپاشی کمونیسم ایجاد شده و فرصت‌های همگرایی جدیدی را برای ترکیه ایجاد می‌کند. از دیگر سو تفسیر سکولار ترکیه از اسلام که روبروی تفسیر بنیادگرایانه عربستان و سایر بازیگران منطقه خاورمیانه است، شاید بهتر بتواند مطلوبیت برای غرب داشته باشد، خاصه اینکه از منظر ایالات متحده آمریکا به مهار

نفوذ ایران و روسیه نگرسته شود.

حوزه ژئوکالچر ترکیه، همان مسیری است که داوود اوغلو نیز در کتاب عمق استراتژیک آن را «ژئوپلیتیک تمدنی»<sup>۱</sup> نام نهاده بود که فرهنگ و تمدن مهم هستند و تعیین‌کنندگی بسیاری بر سیاست بین‌الملل دارند. فهم تاریخی تمدن که عمدتاً با تعامل متقابل ترکیه‌ای/مسلمان/عثمانی به‌عنوان بخش‌های عمق استراتژیک ترکیه دیده می‌شود (Yesiltas & Balci, 2013: 28).

## روندها

الف. افزایش تحریک در منطقه ژئوکالچر اخوانی: خلیج فارس، شمال آفریقا و شامات از اهمیت و ضرورت بسیاری در ژئوکالچر اخوانی ترکیه برخوردار است و این ضرورت برای پیدا کردن جای پای سیاسی، ترکیه را وادار می‌دارد تا رسالت برادر بزرگتر خود را بر این اساس تعریف کند.

ب. افزایش تحریک در منطقه ژئوکالچر تاریخی: آسیای جنوبی و خاور نزدیک برای ترکیه از اهمیت تاریخی برخوردار است به نحوی که ترک‌ها نوعی حرمان و دلتنگی تاریخی نسبت به این منطقه دارند. ترکیه در فلسطین، لبنان، سوریه و آسیای مرکزی علائق تاریخی و ژئوکالچر دارد. مثلاً برای حضور در فلسطین با پوشاندن ردای رهبری جامعه اسلامی، علائق تاریخی را نمایان می‌کند، تنش‌ها با اسرائیل به صورت موقتی در این چارچوب قابل تحلیل است. در سوریه نیز نوع دیدگاه خاص نسبت به گروه‌های اسلام‌گرا و نگاه به اخوانی‌ها، گروه‌های اسلامی میانه‌رو، سبب شده است تا ترکیه به‌عنوان برادر بزرگتر، به دنبال حمایت از گروه‌های اسلامی باشد. به همین دلیل به سوریه، لبنان، عراق و حتی شمال آفریقا تمایلات ژئوکالچر داشته است.

ج. گسترش دامنه نفوذ در منطقه ژئوکالچر زبانی: چندین کشور ترکی (آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان و ازبکستان می‌توانند حوزه تمدنی ترکی‌زبان را تشکیل دهند که یکی از زیرسیستم‌های فعال ترکیه محسوب می‌شود. به همین دلیل است که نشریه اکونومیست در اکتبر سال ۱۹۹۱ اشاره به «جهان ترکی از دریای آدریاتیک تا دیوار چین» کرد (Yükselen, 2020: 1). گسترش دامنه نفوذ در منطقه ژئوکالچر زبانی موضوع مهمی است که ادراک نخبگان ترکیه را

متأثر ساخته است.

د. گسترش دامنه نفوذ در منطقه ژئوکالچر سنی: بازگشایی مدارس ترکیه در آسیای میانه و مرکزی و همچنین پذیرش دانشجویانی از این مناطق برای تحصیل در ترکیه از جمله مواردی است که در این روند قابل شناسایی است. ترکیه به صورت فعال در این کشورها گاهی اوقات حتی با زبان‌های بومی آن‌ها در حال پخش تلویزیونی است. درواقع، چندین برنامه تلویزیونی و سریال‌های ترکیه‌ای امروز برنامه‌های محبوب در کشورهای آسیای میانه و آسیای مرکزی محسوب می‌شوند (Yuvaci, 2012: 12).

ه. تقویت اتحادهای هویتی / شوونیستی: از روندهایی که از دل پیش‌ران ژئوکالچر خصوصاً در سطح نظام اجتماعی در ترکیه، حاصل می‌شود و به رسمیت شناختن نسل‌کشی ارمنه توسط عثمانی، کاتالیزور بسیار مهمی در آن است، تقویت انگیزش‌های اتحادهای هویتی / شوونیستی و تحریک احساسات مربوط به ضدیت با روندهای همگرایی اروپایی خواهد بود.

#### ۴-۳- گسترش محیط ژئواکونومیک

پیش‌ران و محرک: ترکیه به عنوان هفدهمین اقتصاد بزرگ دنیا قلمداد می‌شود. علائق ژئوکالچر، علائق ژئواکونومیک و علائق ژئوپلیتیک ترکیه منجر به افزایش حضور اقتصادی در زیرسیستم‌های خاورمیانه و آسیای مرکزی شده است. در حوزه ژئواکونومیک؛ ترکیه به واسطه پیوند با اقیانوس هند، خلیج فارس، روسیه، آسیای مرکزی، مدیترانه، قفقاز و... می‌تواند جایگاه بین‌المللی ترکیه را تقویت کند.

روند: اندازه قدرت اقتصادی سبب تحریکات ژئواکونومیک این کشور در کشورهای دیگر شده است. سرمایه‌گذاری سنگین ترکیه بر روی پروژه‌های موجود در کشورهایی که به لحاظ زبانی و تاریخی با آن‌ها اشتراک علائق دارد، از جمله فرودگاه‌های بین‌المللی، بندرها، جاده‌ها و خطوط ریل که غرب را به شرق و به جنوب متصل می‌کند با پیروی از همین علائق ژئوکالچر صورت گرفته است. در این بین سرمایه‌گذاری در پروژه‌های اقتصادی آذربایجان از اهمیت بیشتری برخوردار است. برای مثال پروژه بزرگ خط آهنی که باکو در آذربایجان را به ترکیه (از طریق گرجستان) متصل می‌کند، یا پروژه‌های خطوط لوله که غرب را به شرق و برعکس متصل می‌کند دست ترکیه را در علائق ژئوکالچر تقویت می‌کند.



### ۵-۳- افزایش و گسترش دامنه نفوذ و قابلیت‌های ژئواستراتژیک و نظامی

پیش‌ران و محرک: با ظهور شرایط جنگ سرد، تأثیر گسترده ترکیه در حال نمود بود. دوره بازدارندگی با دولت ریگان (1981-1989) به پایان رسید، مرحله جدید رویارویی آغاز شده بود. با این حال با شروع بحران در ایران در سال ۱۹۷۹، جنگ ایران-عراق در سال ۱۹۸۰-۱۹۸۸، جنگ افغانستان در سال‌های ۱۹۷۹-۱۹۸۸، توانایی آن‌ها به تحمیل سیاست‌های بلوکی و فعالیت‌های محدود و سایر مسائلی که در خاورمیانه ظهور کرد، سیاست خارجی ترکیه را به مرحله ظهور رساند. این دوره نه تنها دوره‌ای برای درگیری دوباره با ایالات متحده بود، بلکه همچنین به‌عنوان دوره گشایش‌های جدید بوده است (Yükselen, 2020: 1). موقعیت جغرافیایی منحصربه‌فرد ترکیه، ثبات سیاسی، موفقیت اقتصادی اخیر، این کشور را به‌عنوان یکی از متحدان استراتژیک در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در آورده است (Weitz, 2014: V). روابط ایالات متحده با ترکیه تنها بعد از بهار عربی سال ۲۰۱۱ به چالش کشیده شد. برای یک کشور که در کشمکش برای توازن موقعیت خود به عنوان قدرت منطقه‌ای با حفظ روابط خوب با متحدان غربی خود است، این بین بی‌ثباتی روزافزون در منطقه آنکارا را به سمت اتحاد بیشتر با ایالات متحده به عنوان یک اولویت وادار کرده است. با این حال منازعه سوریه ارزش روابط امنیتی ترکیه با ایالات متحده آمریکا را مورد تأکید قرار داد، این جنگ همچنین اختلافات عمیقی را بین دو کشور در موضوعات بنیادین علنی کرد. اختلافاتی که به نظر می‌رسید در سال‌های پیش‌رو بیشتر عیان شود (Weitz, 2014: V). حضور ترکیه در شمال شرقی سوریه در اکتبر سال ۲۰۱۹، قرارداد دریایی با لیبی در ماه بعد، حضور در شمال عراق و تلاش برای ادعای خود در آفریقا و همچنین منازعه پیرامون استخراج منابع گازی در مرز یونان در سپتامبر سال ۲۰۲۰ (Gurcan, 2020) ازجمله همان تبلورهای اختلافات در حال عیان بین دو کشور بوده است. مجموعه این اتفاقات به همراه طرح خرید سامانه اس ۴۰۰ از روسیه (که واشنگتن بر آن است که تهدیدی برای هواپیماهای ناتو است)، روابط ترکیه با ایالات متحده آمریکا را در پائین‌ترین سطح تاریخی خود قرار داد. ترکیه به وسیله کنگره ذیل قانون مقابله با دشمنان آمریکا با قانون مجازات تحریم (Countering America's Adversaries Through Sanctions Act) و از کنسرسیوم تولید هواپیماهای جنگنده نسل جدید F-35 اخراج شده است. موضوعی که تخمین زده شده است ترکیه در نتیجه عدم همکاری در ساخت

قطعات برای جت‌ها حدود ۹-۱۱ میلیارد دلار متضرر شود (Al-Monitor staff, 2021).

## روندها

الف. تلاش برای خروج از تنگنای امنیتی: با این حال حتی در پس همین وضعیت با ثبات ترکیه، تحلیل رفتار سیاست خارجی ترکیه از برخی متغیرهای بیرونی متأثر می‌شود، در شرایطی که ترکیه در تنگنای امنیتی قرار می‌گیرد، به لحاظ نظامی حضور امنیتی وسیع‌تر و تهاجمی‌تری را تجربه می‌کند. مناسبات سرد بین اروپا/ ایالات متحده آمریکا با ترکیه، آنکارا را به سمت گسترش دامنه نفوذ نظامی فراسوی مرزها سوق می‌دهد.

ب. گسترش دامنه نفوذ نظامی در عمق استراتژیک: عمق استراتژیک<sup>۱</sup>، عنوان کتابی است که استراتژیست معروف و وزیر خارجه پیشین ترکیه احمد داوود اوغلو در سال ۲۰۰۱ به رشته تحریر در آورده است. از نظر عملی، این مفهوم به منظور بررسی و گذار سیاست خارجی ترکیه در ابتدای قرن بیست و یکم و توضیح دامنه تئوریک سیاست خارجی جدید ترکیه استفاده شده است. بر این اساس، عمق تاریخی و جغرافیایی ترکیه، مفهوم عمق استراتژیک فرض می‌گیرد که موقعیت ژئوپلیتیک، ژئوکالچر و ژئواکونومیک ترکیه در جهان به لحاظ گذرگاه‌های سیاست جهانی و نظام بین‌الملل از اهمیت بسیار برخوردار است. به تعبیر داوود اوغلو «مرکزیت<sup>۲</sup>» فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی نقش مهمی در عمق استراتژیک دارد. «سرزمین بسته، دریا و موقعیت‌های قاره‌ای ترکیه را به مرکز جغرافیایی جهان تبدیل کرده است» (Yesiltas & Balci, 2013: 8). حضور در شمال عراق، شرق سوریه، لیبی و مدیترانه از جمله نمونه‌های همین گسترش دامنه نظامی به حوزه‌های فراسرزمینی است.

ج. پایگاه هوایی اینجرلیک<sup>۳</sup>: یکی از انتخاب‌های استراتژیک ترکیه مربوط به پایگاه اینجرلیک است. محدود کردن دسترسی ایالات متحده به پایگاه هوایی اینجرلیک که یکی از نقاط بسیار مهم هوایی ایالات متحده در خاورمیانه محسوب می‌شود و نقش مهمی نیز در حمایت از ائتلاف بین‌المللی در مبارزه با داعش داشت، وضعیت معادلات سیاسی بین دو

1- Strategic Depth

2- Centrality

3- Incirlik Air Base

کشور را تا حد بسیاری می‌تواند متأثر از خود سازد.

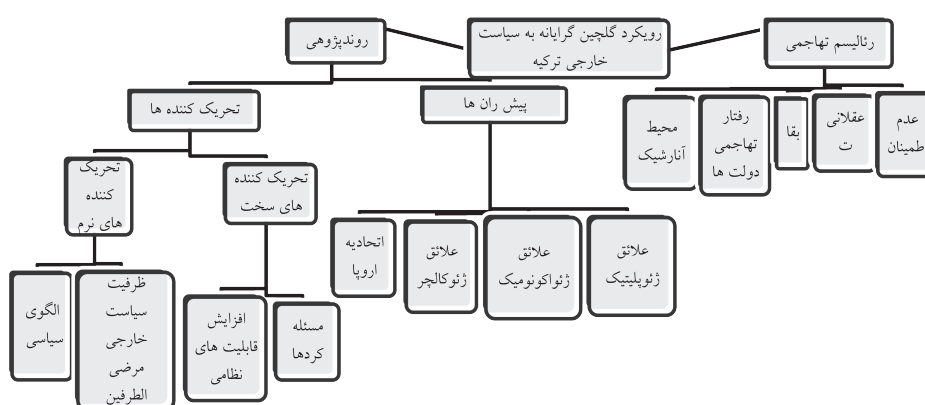
د. افزایش هزینه‌های نظامی: در هزینه‌های نظامی ترکیه از ۲۰۱۷ به بعد ۵۰ درصد افزایش یافته است که این موضوع سبب گسترش حضور نظامی ترکیه در منطقه خاورمیانه (عراق، سوریه و لیبی) شده است. البته که ریشه این موضوع به جابجایی در روند همگرایی منطقه‌ای برای ترکیه بر می‌گردد.

ه. تغییرات ادراکی در نخبگان: همین افزایش هزینه‌های نظامی سبب اتخاذ رویکردهای تهاجمی در نخبگان سیاسی این کشور شده است. ابراهیم کالین سخنگوی ریاست جمهوری ترکیه بلافاصله بعد از به رسمیت شناختن نسل‌کشی ارامنه توسط جو بایدن گفته بود «در روزها و ماه‌های پیش‌رو واکنشی از اشکال، انواع و درجات مختلف وجود خواهد داشت... در هر زمان و مکانی که ما فکر کنیم که مناسب است، به تداوم پاسخ به این اظهارات بسیار تأسفبرانگیز و غیرمنصفانه پاسخ می‌دهیم» (Evans, 2021).

### ۶-۳- ممانعت از گسترش نقش کردها در منطقه

پیش‌ران و محرک: کردها، پاشنه آشیل سیاست داخلی ترکیه محسوب می‌شوند. ترکیه هر زمانی که کردها تقویت شده‌اند، سیاست خارجی خود را بر اساس سرکوب آن‌ها صورت‌بندی کرده است. این موضوع را می‌توان در جریان همه‌پرسی اقلیم کردستان در سپتامبر ۲۰۱۷ یا موضوع کردهای روژئاوا که با سرکوب نظامی ترکیه مواجه شد، مشاهده کرد.

روند: به واسطه تداوم سیاست داخلی در سیاست خارجی، هر جایی که کردها بخواهند نقشی بازی کنند، ترکیه ممانعت می‌ورزد. بنابراین حضور کردها، سرکوب آن‌ها و افزایش حضور منطقه‌ای ترکیه برای این سرکوب، نتیجه مستقیم افزایش فشارها در استان‌های جنوبی و کردنشین ترکیه و تحریکات منطقه‌ای در شرق سوریه و شمال عراق خواهد بود.



شکل شماره (۳): رهیافت گلچین‌گرایانه به سیاست خارجی ترکیه

## نتیجه‌گیری

سیاست خارجی ترکیه متأثر از محرک‌ها، پیش‌ران‌ها، روندها، پیامدها و رفتارهای درونی و بیرونی است که تأثیر بسیار زیادی بر روی ادراک نخبگان نسبت به محیط بین‌المللی داشته و دارد. برخی رویدادها نقش بسیار مهمی در این ادراک دارند و نقش کاتالیزور و شتاب‌دهنده را داشته و می‌توانند پیش‌ران‌ها را شتاب داده و محرک‌ها را تحریک کنند. این رویدادها به واسطه چنین تأثیراتی می‌توانند الگوهای نظم درونی و منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار داده و مناسبات امنیتی و استراتژیک را دستخوش تغییر کنند. ازجمله این رخدادها می‌توان به «به رسمیت شناختن نسل‌کشی ارمنه» توسط ایالات متحده آمریکا اشاره کرد. عدم اطمینان، عقلانیت، بقا، محیط امنیتی و میلیتاریستی منطقه خاورمیانه به همراه محیط آنارشیکی که خلاء امنیتی را در این منطقه به وجود آورده است، خودبه‌خود رفتار سیاست خارجی ترکیه را تهاجمی کرده است. علاوه بر این شرایط محیطی، نقش شتاب‌دهنده پیش‌ران‌ها و محرک‌هایی همچون علائق ژئوپلیتیک، ژئوکالچر، ژئواستراتژیک، مسئله کردها و... سبب شده است که ادراک رهبران ترکیه نسبت به اقدامات بلوک غرب، درکی تهاجمی باشد. شناسایی نسل‌کشی ارمنه به عنوان یک کاتالیزور و شتاب‌دهنده می‌تواند پیوند وثیقی بین پیش‌ران‌ها، محرک‌ها و ادراک نخبگان سیاسی حزب عدالت و توسعه با روندهای تهاجمی را در سیاست خارجی ترکیه بازنمایی کند.

## فهرست منابع

- ۱- ادیبی‌سده، مهدی (۱۳۸۲)، جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی، تهران: انتشارات سمت.
- ۲- آلستین، گرگ (۱۳۹۱)، گشتی در دنیای روندها و پیش‌ران‌های توسعه رسانه، ترجمه‌ی مرضیه فخرایی، فصلنامه افق رسانه.
- ۳- تولایی، روح‌الله (۱۳۹۳)، «آینده پژوهی، روندهای خدمات فضای مجازی ایران در فرآیند تکنولوژیک جهانی‌شدن با روش دلفی»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی‌شدن، سال پنجم، شماره چهاردهم، زمستان صص ۹۳-۱۲۳.
- ۴- چاووش اوغلو، مولود (۱۴۰۰) «آیا انتخاب بایدن «پایان دوره اردوغان» است؟»، قابل دسترس در:  
<http://www.iras.ir/fa/doc/news/4467/>
- ۵- زالی، سلمان (۱۳۹۵)، «درآمدی بر روندپژوهی در اجرا»، ماهنامه آینده پژوهی، شماره ۳۶، شهریور، صص ۲۲-۲۴.
- ۶- عباسی، علی‌اصغر و دیگران (۱۳۹۳)، «تحلیل تأثیر روند در آینده پژوهی»، سومین همایش ملی آینده پژوهی، ۹ بهمن ۱۳۹۳ تهران.
- ۷- گات، آزر (۱۳۹۹)، علل جنگ و گسترش صلح؛ آیا جنگ باز خواهد گشت؟، ترجمه محمدعلی قاسمی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- 8- Al-Monitor Staff (2021) "Turkeys Reaction Biden's Recognition Armenian Genocide More Bark Bite Now" 2021.04 available in: <https://www.al-monitor.com/originals/2021/04/turkeys-reaction-bidens-recognition-armenian-genocide-more-bark-bite-now>
- 9- Amara, Roy (1981) "The Futures Field", The Futurist (February, April and June).
- 10- Biden, Joe (2021) "Statement by President Joe Biden on Armenian Remembrance Day" 2021.04.24 available in: <https://www.whitehouse.gov/briefing-room/statements-releases/2021/04/24/statement-by-president-joe-biden-on-armenian-remembrance-day/>
- 11- Evsns, Dominic (2021) "turkey says it will respond in time to 'outrageous' U.S. genocide statement" April 25, 2021, available in: <https://www.reuters.com/world/middle-east/turkey-says-it-will-respond-time-outrageous-us-genocide-statement-2021-04-25/>
- 12- Gurcan, Metin (2020), "Turkey's foreign policy becoming alarmingly militarized" September 21, 2020, available in: <https://www.al-monitor.com/originals/2020/09/turkey-libya-syria-six-problems-aggressive-foreign-policy.html>
- 13- Hennen, W. H. G. J., & Benninga, J. (2009). Application of Trend Impact Analysis for Predicting Future Fruit Consumption. The Journal of Horticultural Science & Biotechnology, (1), 18
- 14- Inayatullah, Sohail. (Ed.). 2000, "The Views of futurists" The Knowledge Base of Futures Studies, CD-ROM. Melbourne: Futures Study Centre.
- 15- Katzenstein, Peter and Sil, Rudra (2008), "Eclectic Theorizing in The Study and Practice of International Relations", In Christian Reus-Smit and Duncan Snidal (Eds), The Oxford Handbook of International Relations, NY: Oxford University Press.
- 16- Masini, Elenora. 1993. Why Futures Studies? London: Grey Seal.
- 17- Mcnamara, J. F. (1976). Trend Impact Analysis and Scenario Writing: Strategies for The Specification of Decision Alternatives in Educational Planning. Journal of Educational Administration, 14(2), 143-161.
- 18- Mearsheimer, John (2001), Tragedy of Great Power Politics, New York: W.W. Norton and Company.
- 19- Mearsheimer, John J. And Stephen Walt, (2003), An Unnecessary War, Foreign Policy 134(January/

February).

- 20- Overview of Methodologies (2014), Available in: [Http://Www.Oecd.Org/Site/Schoolingfortomorrowknowledgebase/Futuresthinking/Overviewofmethodologies.Htm](http://www.Oecd.Org/Site/Schoolingfortomorrowknowledgebase/Futuresthinking/Overviewofmethodologies.Htm)
- 21- Sandıklı, Atilla (2011) Jeopolitik ve Türkiye: Riskler ve Fırsatlar (Geopolitics and Turkey: Risks and Opportunities). BILGESAM, January, Rapor no: 27, Bilgesam Yayınları, Istanbul.
- 22- Sardar, Ziauddin (Ed.). (1999) Rescuing All of Our futures: The Futures of Futures Studies. London:Adamantine Press.
- 23- Waltz, Kenneth (1979), Theory of International Politics, Newyork: Random House.
- 24- Weitz, R. (2014). (Rep), Strategic Studies Institute, US Army War College, Strategic Studies Institute, US Army War College.
- 25- Yesiltas, M., & Balcı, A. (2013) Rep: A Dictionary of Turkish Foreign Policy in the Ak Party Era: A Conceptual Map, Center for Strategic Research (Sam), Retrieved May 6, 2021.
- 26- Yükselen H. (2020) 1980–2002 “The Turkic World; From the Adriatic Sea to the Great Wall of China”. In: Strategy and Strategic Discourse in Turkish Foreign Policy. Palgrave Macmillan, Cham.
- 27- Yuvaci, AU. Abdullah (2012) “Geopolitics, Geoculture and Turkish Foreign Policy” VL 2, JO. Geopolitics in the 21st Century.